

پایگاه توحید

مسجد، بنای مقدس و شکوهمندی است که از صدر اسلام تاکنون پایگاه پایدار و استوار توحید و تقوا بوده و از گذشته، جایگاه خضوع و خشوع و سجود عبادالله در مقابل معبود خویش به شمار می رفته است، علاوه بر آن از دیر باز، کانونی جهت فراگیری علوم قرآنی، فرهنگ اهل بیت و مرکز وعظ و ارشاد و محل تشکل و انسجام مردم علیه حکام جور و ستم و نیز محل ملاقات مؤمنین با یکدیگر و آگاهی یافتن از حال هم و استواری پیوندهای مودت و الفت دل ها و نیز پایگاه مهمی برای امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و اصلاح اخلاق و رفتار مردم به شمار می رفته است.

در فرهنگ روایی ما در خصوص حفظ حرمت مسجد و تشویق مردم به حضور در این مکان معنوی و انس انسان ها با آن مسایل مهم و مباحث معتناهی را طرح کرده اند که بر مسلمین لازم است آن را رعایت کرده تا از این رهگذر خشنودی پروردگار، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) او را جلب کنند. در این میان افرادی که در همسایگی مسجد سکونت دارند، نسبت به دیگران وظایف سنگین تری را عهده دار خواهند بود و ضروری می نماید نهایت توان خویش را برای عمران کمی و کیفی مسجد به کار گرفته و از هرگونه رفتاری که کم توجهی و بی اعتنائی آنان را نسبت به این خانه عبادت بروز دهد اجتناب و احتراز ورزند. در روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده که افرادی که به مسجد انس و علاقه دارند، جزو هفت نفری هستند که در سایه رحمت پروردگار قرار می گیرند (1) و نیز از آن وجود گرامی روایت شده که فرموده اند: هرکس همسایه مسجد باشد و بتواند به مسجد برود، ولی سه روز متوالی در این مکان فرائض عبادی (نماز) خویش را به جای نیاورد، لعنت خداوند و فرشتگان بر او باد! در ادامه این حدیث تاکید شده که اگر چنین فردی بیمار شد به عیادتش نروید و اگر از دنیای فانی به سرای باقی کوچ نمود، در مراسم تشییع جنازه او حضور نیابید. عبدالله بن سنان از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده که شنیدم آن حضرت می فرمودند گروهی از مردم در زمان رسول اکرم (ص) از رفتن به مسجد برای ادای فریضه نماز بی توجهی نشان داده و در این امر سستی می ورزیدند. حضرت محمد (ص) فرمود: امکان دارد در مورد آنان که از رفتن به مسجد جهت اقامه نماز امتناع می کنند، امر نمایم که هیئتی در مقابل منزلشان قرار داده تا با شعله های سوزان آن خانه هایشان طعمه حریق گردد.

در کتاب فقه الصادق (ع) و نیز «تهذیب» شیخ طوسی از طلحة بن زید نقل شده که ششمین فروغ امامت فرموده اند: امیرمؤمنان (ع) فرمود: همسایه مسجدی که برای ادای نمازهای واجب در مسجد حضور نیابد در حالتی که فراغت دارد و از سلامتی هم برخوردار است، نمازش کامل نخواهد بود، البته نه آن که نمازش باطل باشد، بلکه آن آثاری را که نماز مقبول درگاه حق باید داشته باشد فاقد است. (2)

امام صادق (ع) فرمودند: در تورات نوشته است: خداوند می فرماید، و خانه های من در روی زمین مساجد هستند خوشا به حال کسی که خودش را در منزل پاکیزه نموده و سپس مرا در خانه ام زیارت کند و بر خداست که از زایر خویش احترام نماید. (3)

فقهها به استناد این روایات و سفارش های موکد رسول اکرم (ص) و ائمه شیعه، نماز خواندن در مسجد را برای همسایه اش مستحب مؤکد دانسته و ترک نماز در مسجد توسط همسایه آن را مکروه قلمداد نموده اند.

مرحوم آیه الله سیدمحمدکاظم یزدی در کتاب «عروة الوثقی» می گوید: برای همسایه مسجد مکروه است که بدون عذری؛ مانند باران، نماز را در غیر آن مسجد اقامه کند. (4) و در رساله های عملیه می خوانیم: «مستحب است نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیه را به جماعت برگزار کنند و در نماز صبح، مغرب و عشا خصوصا برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است».

طبق برخی از روایات منقول از اهل بیت - علیهم السلام - همسایه مسجد تا چهل خانه از هر جانب می باشد. در روایت دیگری کسانی که صدای اذان را (به طور طبیعی) می شنوند، به عنوان همسایگان مسجد معرفی شده اند. (5)

معاویه بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم حدود همسایگی چقدر است؟ فرمود: از هر طرف چهل خانه. (6) و رسول اکرم (ص) فرموده اند: «حد الجوار اربعون دارا». (7)

در اغلب روستاها و شهرهای کوچک طبق مضامین این روایات تمامی اهالی منطقه با مسجد همسایه حساب می شوند، خصوصا اگر مسجد در مرکز شهر باشد و یا این که شهرها دارای چندین محله بوده و درکانون آن محلات مسجدی باشد، مردمان آن دیار به طور کامل همسایه مسجد محسوب شده و لازم است نماز خود را در مسجد محل اقامه کنند و با این کار مستحبی مؤکد را عملی نمایند.

در بحث وقف این مساله مطرح است که اگر کسی چیزی را وقف بر عنوان همسایگان بنماید در این صورت درآمد حاصله از وقف به چه کسانی تعلق می گیرد، در کتاب شرایع در این مورد سه محور بررسی شده است، نخست در مشخص نمودن همسایه باید به عرف مراجعه شود و براساس نظر دوم همسایه هر کس صاحبان خانه هایی اند که تا فاصله چهل ذراع از هر طرف واقع شده و اندازه هر ذراع از آرنج دست تا سرانگشت وسط دست می باشد. (8) نظر دیگری، چهل خانه از هر طرف را همسایه می داند، آن گاه محقق حلی این نظر را مردود دانسته و صاحب جواهر آن را از نوادر دانسته و روایاتی را که همسایه را چهل خانه از هر طرف معین کرد. حمل بر تقیه نموده است. وی می افزاید: از آن جا که لفظ همسایه کلمه ای «عرفی» است و شرع مقدس هم در این زمینه واژه خاصی ندارد، برای دست یافتن به معنای آن باید به عرف مراجعه کرد، وی در خصوص احادیثی که حد همسایه را چهل ذراع معین کرده گوید: شاید بتوان گفت منظور معصوم (ع) از این بیان، همان معنای عرفی و رایج بین مردم است و براین اساس نظر نخست و ثانی در باب معین نمودن حد همسایه با یکدیگر مغایر نخواهد بود. علامه حلی، محقق کرکی (محقق ثانی)، شهیدثانی و تنی چند از فقهای متاخر ملاک در تعیین همسایه را مراجعه به عرف تلقی نموده اند. (9)

اهتمام به عمران و تطهیر

همسایگان مسجد باید ضمن اهتمام ورزیدن به عمران و آبادانی مسجد در فعالیت های خود انگیزه ای پاک و الهی داشته و تلاش خود را برای احیای خانه توحید خالص کنند و در پی شهرت های فناپذیر و انگیزه های به تحلیل رفته نروند. همسایگان باید در اخلاق، رفتار و برخوردهای اجتماعی نیز حرمت مسجد را مراعات کنند و آن را پایگاه تربیت دینی و پرورش حالات فطری و روحی تلقی بنمایند. کوتاهی در حفظ و استحکام مسجد و تسامح در امور این مکان ارجمند، توسط همسایگان، زمینه های تخریب آن را پدید آورده و خدای ناکرده این افراد مشمول سخنی از قرآن می شوند که می فرماید: «وکیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن بکوشد، چنین گروهی نباید در مساجد مسلمین حضور یابند جز آن که بر خود (به خاطر اعمال سوء) خائف باشند، ذلت در دنیا نصیبشان می شود و در آخرت عذابی بسیار سخت دارند». (10)

از حضرت علی (ع) نقل شده که آن امام فرموده اند: «مسجد در مورد خرابی خود به پیشگاه خداوند متعال گله می کند و از آبادکنندگانش وقتی از آن دور شوند و سپس به سویی آید شادمان می گردد، همان گونه که یکی از شماها وقتی مدتی از فردی دور بوده اید و حال به طرف شما آید خوشحال می شوید». (11)

بیهقی سبزواری می گوید از قول بزرگی نقل شده که ثواب تطهیر مسجد بسیار است و فضیلت آن بی شمار بوده و آیه «... ان طهرا بیتی للطائفین والعاکفین و الرکع السجود» (12) بر این معنا دلالت دارد. رسول خدا (ص) فرمود کسی که مسجدی را جاروب کند، چون فردی است که با پیامبر خدا (ص) در چهارصد غزوه شرکت کرده و چهارصد حج انجام داده و چهارصد بنده، آزاد نموده و چهارصد روز، روزه گرفته اند. در پایان این روایت، بیهقی می افزاید: چون ثواب تطهیر مسجد چنین باشد، اجر تعمیر آن نیز این گونه است. (13) بنابراین همسایگان مسجد نباید خودشان را از چنین پاداش های معنوی محروم کنند و نسبت به پاکیزه نگه داشتن خانه خدا و آبادانی مراکز عبادی و مصلائی مؤمنین دقت و اهتمام ویژه داشته باشند و این گونه نباشد که در نظافت و عمران خانه های خود مصر گردند، ولی از تعمیر و تطهیر مساجد غافل گردند.

ابوذر غفاری روایت کرده که رسول اکرم (ص) فرمود: «کسی که مسجدی را جاروب نموده و یا آن را خوشبو گرداند، در روز قیامت، نامه عملش را به دست راست وی دهند و از قبر در حالی خارج می شود که به بوی معطر مشک غلیظ آغشته می باشد» و در حدیث دیگری آمده: «جاروب نمودن و دورکردن گرد و غبار از مسجد موجب می شود خداوند، انسان را از گناهانش پاک گرداند». (14)

هویت معنوی

افرادی که در همسایگی مسجد اسکان دارند و ساکنان محلاتی که هویت فرهنگی خود را مدیون این گونه اماکن مقدس می دانند، باید در اخلاق و رفتار خویش احتیاط افزون تری به خرج داده و از ارتکاب اعمالی که حرمت

مسجد را تنزل می دهد اجتناب کنند. در مناطق سنتی و شهرهای تاریخی ایران، خصوصا نقاط مرکزی و کویری، مسجد جامع در وحدت و انسجام بخشیدن به محلات، نقش ویژه و تعیین کننده ای دارد و نام آن محلات با عنوان مسجد گره خورده و حتی در مسائل ارتباطی، پیوند عاطفی و همزیستی و معاشرت مردم مسجد تاثیر بارز خود را نشان داده است، همسایگان مسجد از سر صدق و اخلاص و با نیتی خوش و انگیزه هایی عالی از نان و آب خویش مایه گذاشته و بر شکوه معماری و عزت و عظمت مسجد افزوده اند و بر خویشتن روا نداشته اند که ساختمان های خود را مجلل تر از مسجد یا مرتفع تر از آن قرار دهند. برای آنان از گذشته های دور، خانه جایی برای زیستن و رستن از تنهایی است، ولی مسجد مکان خلوت کردن با خدا و درد دل نمودن با پرواپیشگان و ابراز علاقه به انبیا و اولیاست. به همین دلیل این اماکن مقدس در تسکین روحی و آرامش روانی افراد دخالت دارد و حتی افراد را به این باور می رساند که برکت زندگی، افزایش رزق و روزی و رهایی از بلاهای ارضی و سماوی در گرو توجه به این مکان ها و اهتمام در عمران آنهاست، قرن هاست که مساجد به محلات مسکونی طراوت و صفا بخشیده و چون رگ حیاتی و قلب تپنده شهر، نقش تعیین کننده ای را عهده دار بوده و در کنترل رفتار انسان ها با هم و جلوگیری از خلاف ها و گسترش نیکی ها مؤثر بوده و می باشند. اصولا ساختمان مسجد در بین افراد محل، آن چنان حال و هوای معنوی ایجاد می کند که هر کسی تصور می نماید صفای روحانی مسجد چون چشمه ای جوشان در کوی و برزن های محل جاری است و زندگی فردی و اجتماعی آنان با مسجد گره خورده است.

معماران این مساجد در واقعیتی معنوی که ابداع می کنند از باطن قرآن الهام می گیرند، حتی سیمای ظاهری این بناها به گونه ای است که از طریق راز و رمز و تمثیل با هیبتی خاص، اسما و صفات خداوند را که قرآن مطرح نموده جلوه گر می نمایند. مناره ها ابهت و جلال و گنبد و ایوان ها جمال الهی را یادآور می شوند، کتیبه نویسان به امداد معماران آمده و پرتوهای روحانی را با نوشتن آیات قرآن بر نقاطی خاص از مسجد به نمایش می گذارند. جلوه های قدسی و حسن و جمال الهی چنان در مسجد مجسم شده که ناظر آن به عنوان نمازگزاری معتقد با مشاهده این مجموعه به سوی توحید سیر می کند و از ظواهر دنیایی فراتر می رود. در واقع جلوه های هنری مسجد نوعی آموزش پنهانی و به ظاهر خاموش است که به شیوه ای واقعی بر آموزش نظری عقاید دینی و باورهای مؤمنین صحه می گذارد.

چند یادآوری به متولیان مساجد

همان گونه که همسایگان مساجد نسبت به این گونه مکان های مذهبی و پایگاه های اعتقادی وظایفی را عهده دار خواهند بود و کوتاهی در این امور از نقصان در ایمان آنان حکایت دارد، متولیان و دست اندرکاران برنامه های تبلیغی و فرهنگی باید حقوق همسایگان مسجد را مراعات نموده و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند؛ از جمله مستحبات مسجد، هم سطح بودن مناره با دیوار و سقف مسجد می باشد، چرا که مناره یا گلدسته از این جهت احداث گردیده که مؤذن برفراز آن رفته و اذان بگوید و طبیعی است مناره های مرتفع برخانه های افراد همسایه مسجد مشرف گردیده و احتمال دارد آسایش آنان را مخدوش کند، گرچه در سال های اخیر دیگر اذان از

طریق بلندگو پخش می شود، ولی پخش برنامه های متعدد تبلیغی از طریق بلندگو امکان دارد برای همسایگان خسته کننده باشد.

متولیان مساجد باید صدای بلندگوها و سایر وسایل صوتی را به گونه ای تنظیم کنند که آرامش همسایگان مسجد را مختل نسازد و نیز بیماران را در مشقت قرار ندهد. برنامه های مذهبی و تبلیغی مسجد باید به گونه ای باشد که رغبت مردم را برای انجام فرایض دینی در مسجد رو به فزونی ببرد. متأسفانه باید اذعان داشت اغلب مجالس ترحیم و سوگواری برای اشخاص و برنامه های غمناک در مساجد اجرا می شود و از برنامه های نشاط آور و سرور آفرین در این مکان مبارک کمتر خبری هست، در حالی که می توان برنامه های اسلامی را به گونه ای جالب و پرجاذبه اجرا نمود که جامعه و به ویژه نسل جوان با شوق و شغف به این اماکن روی آورد و تصور توام با لذت معنوی و ابتهاج روحانی از برنامه های مسجد داشته باشد. البته این تلاش هیچ گونه منافاتی با ملاحظات شرعی و رعایت کامل موازین دینی ندارد.

شیوه نادرست برخی مبلغان و متولیان مسجد، سبب گردیده که برخی افراد از همسایگی با مسجد اکراه دارند و می خواهند در جایی سکونت داشته باشند که از سر و صداهای ناشی از اجرای غیر صحیح برنامه های فرهنگی مسجد دور باشند. پرواضح است اگر امنیت و آرامش همسایگان ملحوظ گردد و برنامه های تبلیغی مساجد با نشاط و متنوع باشد، طبیعی است که هر مسلمانی نه تنها همسایگی با مسجد را افتخاری معنوی می داند، بلکه می کوشد در این تلاش ها مشارکت داشته باشد و در حد توان نسبت به تقویت و گسترش فعالیت های فرهنگی مسجد اهتمام ورزیده و آن را فضل و امتیازی برای خویش تلقی نماید.

حضرت امام خمینی - قدس سره - در کنار سفارش های وافی و تأکیدهای مکرری که نسبت به برپایی شعائر دینی و حفظ رونق و فعال بودن محافل دینی و مساجد داشته اند، برحسب مقتضیات و به مناسبت هایی مسلمین را به رعایت موازین شرعی و احتراز از اذیت دیگران در هنگام مراسم مذهبی توجه می داده اند. ذیلا گزیده ای از سخنان این روح قدسی و عبد صالح خداوند از نظر خوانندگان می گذرد:

«... گاهی می شود که کارهایی به ظاهر اسلامی، لکن با بی توجهی و خلاف اسلام واقع می شود... فی المثل اشخاصی می خواهند خدمت بکنند... لکن گاهی در کیفیت عمل طوری می شود که معصیت می شود... کارهایی انجام می دهند که با موازین اسلامی درست در نمی آید... مثل این که نصف شب ها شروع می کنند به فریاد و شعار دادن و دعا خواندن و تکبیرگفتن در صورتی که همسایه ها هستند و ناراحت می شوند، مریض ها هستند، معلولین هستند... و این ها رنج می برند و شما یک چیزی را که می خواهید عبادت باشد معصیت کبیره می شود....»

اگر در سحر فرض بکنید یک عده ای بخواهند دعای وحدت بخوانند، خوب می شود در داخل منزل خودشان در داخل آن محلی که هستند... خودشان بخوانند، برای خدا می خواهند بخوانند و بلندگو اگر دارند... در داخل بگذارند که صدا بیرون نیاید، گاهی اشخاصی می آیند و شکایت می کنند که تمام آرامش ما را بعضی از این گروه ها به هم می زنند و حتی ما خواب نداریم، شما می خواهید یک کار عبادی بکنید، می خواهید تظاهر کنید، می خواهید چه بکنید؟ تبلیغ کنید، دعا بخوانید شما، دعا بین خودتان و خداست، فرضا بخواهید یک اجتماعی باشد که در آن دعا خوانده بشود، این جا نباید بلندگوهای بزرگ را... بیرون بگذارند و تمام افرادی که در این محله هستند یا محله های دور هستند رنج ببرند از این کار، اینها معصیت کبیره است که الآن که متوجه شدید، دیگر عذر ندارید، اذیت مسلم و آزار مؤمنین از بزرگ ترین گناهان کبیره است...» (15)

از حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی پرسیده اند: صبح ها که مردم خوابند، اذان گفتن با بلندگو چه صورت دارد؟ آیا مردم آزاری هست یا نه؟ ایشان پاسخ داده اند: اذان گفتن هرچند موجب بیدارشدن دیگران شود جایز است. مگر یقین کند که موجب مرض یا شدت مرض کسی شود. (16)

در استفتایی از حضرت آیه الله العظمی اراکی پرسیده اند: آیا بلند کردن صدای اذان از مسجد مخصوصا اذان صبح در صورتی که همسایگان مسجد اعتراض می کنند و اظهار می کنند صدای اذان موجب اذیت و آزار آنها می شود، جایز است یا نه؟

ایشان در جواب خاطر نشان ساخته اند: اذان شعار اسلام است و ملازمه غالبی دارد با بیدارشدن همسایگان مسجد، ولی در صورت استلزام ضرر، احوط آن است که صدای آن را طوری تنظیم کنند که حتی الامکان موجب اضرار به همسایگان نشود. (17)

پی نوشت ها :

- 1) کنز العرفان، ج 1، ص 108.
- 2) این روایت در بحارالانوار علامه مجلسی، ج 83، ص 354 و نیز قرب الاسناد آمده است.
- 3) سفینه البحار، ج 1، ص 600.
- 4) عروة الوثقی باحواشی حضرت امام خمینی (قدس سره)، ص 211.
- 5) بحارالانوار، ج 83، ص 380.
- 6) آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، شیخ حر عاملی، ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی اکبر ص 103 و 104.
- 7) نهج الفصاحة، ص 284، مجمع البیان، ج 2، ص 45، احیاء علوم الدین غزالی، ج 2، ص 212.
- 8) قاموس المحيط، فیروز آبادی، ج 3 ص 22.
- 9) نک: جواهرالکلام، ج 28، ص 41 - 44؛ عروة الوثقی، ج 2، ص 223 - 225.
- 10) سوره بقره، آیه 114.
- 11) سفینه البحار، ج 1، ص 600.
- 12) سوره بقره، آیه 125.
- 13) مسجد پایگاه توحید و تقوا، ابوالقاسم رزاقی، ص 148 - 149 به نقل از الرسالة العلیه، ص 62.
- 14) ماخذ پیشین، ص 150 - 149.
- 15) صحیفه نور، ج 16، ص 244 - 243.
- 16) مجمع المسائل، آیه الله العظمی گلپایگانی، ج 1، ص 162، سؤال 138.
- 17) رساله توضیح المسائل آیه الله العظمی اراکی، ص 602، بخش پاسخ به استفتاها.